

بخش دوم - فصل ۵ : جانش تفرک کاربرد سیاست پولی مدرن

تطور متدار پول - مکتب فیلیپس - نرخ طبیعی بیکاری - استقالات عمده - ناک بار زانی
 سیاست پولی با درستی به یک قاعده معتبر با هدف ایجاد تعادل بین تورم و بیکاری است

تطور متدار پولی :

- رابطه بین پول و فداکاری اقتصادی در سطح عمومی قیمت در بلندمدت را مشخص کند

معادله مبارزه فیه در سال ۱۹۱۱

$$M \cdot V = P \cdot Q$$

- V : به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته می شود - بشماره دارد } در بلندمدت ثابت و تقریباً
 - Q : به نوبه کار، سرمایه و تعداد - بشماره دارد

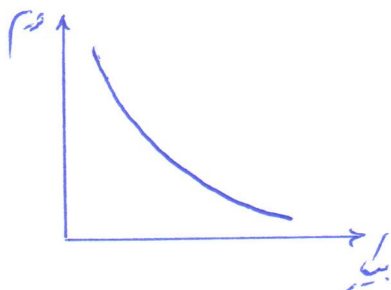
- لذا در این M متغیر انحصاری P می شود

نتیجه : سیاست پولی و پول در فداکاری اقتصادی و تورم در بلندمدت اثرگذار نیست (پول خنثی است)

مکتب فیلیپس : A.W. Phillips سال ۱۹۵۸

- رابطه مستقیم بین تورم و بیکاری

- بیکاری را می توان با هزینه آردآوری مردم کاهش داد و برعکس، تورم را می توان از راه تورم کاهش داد



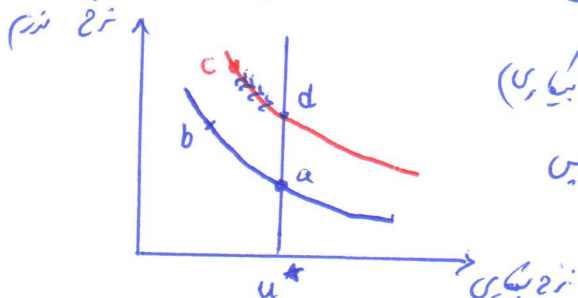
نرخ طبیعی بیکاری : ادویند فیلیپس (۱۹۶۷) و جینتول (ژانویه ۱۹۶۸)

- بر اساس اقتصاد یک نرخ بیکاری طبیعی وجود دارد که در آن نرخ تورم تغییر نمی کند

- در سطح بیکاری طبیعی، عمده اقتصاد در فرآیند کامل خود قرار دارد

- u^* : در سطح نرخ بیکاری طبیعی، نرخ تورم متناهی است (در این نرخ، تورم بلاغی است)

نتیجه : در بلندمدت، رابطه تورم و بیکاری حذف می شود و مکتب فیلیپس عمده می شود



a : تعادل اولیه

b : بعد از شوک پولی اولیه (به منظور کاهش نرخ بیکاری)

c : به دلیل شکل نام استقالات تورمی و انتقال فیلیپس

گرفته شده است به u^*

d : به دلیل تورم طبیعی بیکاری

با تورم u^*